

# روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد  
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی  
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی  
گرافیک و صفحه آرا: سعید غفوری

www.rooznamehsaba.com  
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵  
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵  
چاپ: موسسه فرهنگی خراسان  
توزیع: نشر گستر امروز



## جنگ دوازده روزه از زاویه راش ها؛ وقتی دوربین عقب می ایستد

گفت و گو  
صبا با نیا  
مهدیان کارگردان  
فیلم مستند  
«راش»

### سمیه خاتونی گفت و گو

مستند نیمه بلند «راش» به کارگردانی نیا مهدیان در نوزدهمین دوره جشنواره بین المللی «سینماحقیقت» به نمایش درآمد؛ مستندی که با نگاهی موشکافانه به جنگ ۱۲ روزه ایران می پردازد و واکنش های اجتماعی، انسانی و رفتاری جامعه را در دل یک بحران ثبت می کند. «راش» به جای روایت خطی و کلاسیک، تماشاگر را به دل فرآیند شکل گیری فیلم می برد و او را در اتاق تدوین با تصاویر خام مواجه می کند. به همین بهانه، خبرنگار صبا گفت و گوئی مفصل با نیا مهدیان، کارگردان این مستند، انجام داده است که در ادامه می خوانید.

به نظرم اولین رسالت هر فیلمی سرگرم کردن است، فارغ از قالب. بعد از آن آموزش و انتقال تجربه می آید. مخاطب باید تجربه کند؛ باید حس کند وسط ماجراست. بعد از سرگرمی، ژانر و ساختار اهمیت پیدا می کند؛ اینکه قصه کجاست، شوک ها کجا اتفاق می افتند و همذات پنداری چطور شکل می گیرد. سوزها، مثل آن دختر در تخریب، انتخاب شده بودند؟ نه، کاملاً اتفاقی بود. فقط همدلی شکل گرفت. من معمولاً با آدم ها رفیق می شوم، نه اینکه از قبل سوزها انتخاب کنم. این ارتباطها در لحظه ساخته می شود. نسل «زد» هم ارتباط پذیر و باهوش است؛ اعتماد به نفس دارد و راحت تر جلوی دوربین می آید.

چرا مستقیم سراغ ساختمان شیشه ای صداوسیما نرفتید؟ فقط یک اشاره کوتاه داشتم. ترجیح دادم غیرمستقیم حرف بزنم؛ با نماد و نشانه. نمی خواستم خودم در مرکز باشم. قضاوت را سپردم به مردم و آنچه در کف خیابان اتفاق افتاده. مستند باید سؤال طرح کند، نه اینکه صرفاً موضع گیری کند. حتی در تلخ ترین فیلم هایم هم امید را حفظ کرده ام؛ مثل صحنه میدان آزادی که همه با هم «وطنی هستی من» را می خوانند. آنجا فقط ایران مهم بود.

پایان بندی فیلم با تصویر یک کودک، خیلی تأثیرگذار است. آن دختر برای من نماد نسل بعدی ایران است؛ نسل آلفا. آخرین تصویر باید دست نخورده می بود. اسم فیلم هم «راش» است؛ چون واقعیت هنوز خام است و هرکس از زاویه خودش با آن ارتباط می گیرد.

تدوین فیلم چقدر طول کشید؟ حدود دو تا سه ماه. اینجا باید از فرساده اکتسابی تشکر کنم. تدوین این فیلم نوعی «ضد تدوین» بود؛ بدون کات های مرسوم. قرار نبود تماشاگر تدوین را حس کند. در صداگذاری هم آرش قاسمی کار سختی داشت؛ صدا باید کثیف می بود، اما اغراق نشده نه.

دوری از خانواده در آن شرایط چه تأثیری داشت؟ خیلی سخت بود. همسر و فرزندم در مشهد بودند، زیر بمباران فرودگاه. من بدون تیم و امکانات مانده بودم. حتی دوربین نداشتم و یکی از دوستان دوربین شخصی اش را داد. با همه سختی ها، این تجربه برایم بسیار ارزشمند بود.

سرنوشت فیلمتان در جشنواره شانگهای چه شد؟ در حد نامزدی پیش رفت. امیدوارم «راش» در جشنواره های پیش رو به حشش برسد.

پیرمرد که تحکم کارگردان را عمداً نشان می دهد. چه زمانی به کانسپت نهایی رسیدید؛ قبل یا بعد از ثبت راش ها؟

به نظرم باید از ابتدا بدانید با چه تفکری تصویر می گیرید. برای من روشن بود که می خواهم از منظر رفتارشناسی و جامعه شناسی کار کنم. پیام فیلم این بود که رذیلت و فضیلت در همه جامعه وجود دارد، اما در نهایت نوعی وحدت دیده می شود. تجمع آدم های متفاوت در میدان آزادی برای من نماد همین وحدت بود. این فیلم برای من یک کار پژوهشی هم هست؛ شاید ۲۰ سال بعد به عنوان منبع به آن رجوع شود.

در جریان ساخت، با فشار یا محدودیت هم مواجه شدید؟ خیلی. چند بار نگاه مان داشتم؛ البته نه بازداشت رسمی. فضا کاملاً امنیتی بود، مجوز نداشتم، اینترنت قطع بود. نیروهای امنیتی هم حق داشتند. چند ساعت طول می کشید تا گوشی ها را پس بدهند. این فیلم را با دغدغه شخصی ساختم و وابسته به جایی نبودم. سه چهار روز از جنگ گذشته بود که به مرکز گسترش رفتم و پروژه در یک اتاق فکر کوچک شکل گرفت. اینجا واقعاً باید از حسین بدلو تشکر کنم.

تصاویر شما روایت های متناقضی از تاریخ معاصر ایران ثبت کرده است. خیلی های دیگر هم تصویر گرفتند؛ چه مستقل ها و چه ارگان ها. اما مسئله اصلی فیلم من خود جنگ نیست، واکنش مردم در بحران است؛ صف بنزین، صف نان، حضور آدم های فرصت طلب در کنار آدم های ایثارگر. برایم مهم بود این رفتار جمعی ثبت شود. حتی حضور مستندسازان دیگر در فیلم، آگاهانه است؛ مثل وحید فرجی یا تیم مسعود دهنوی.

آیا صحنه هایی را از دست دادید که هنوز حسرتش را می خورید؟ بله، متأسفانه دورم من ضبط شد. تمام تصاویر یک مهدکودک روی همان رم ها بود؛ مربی ای که سرش خونریزی داشت و بچه هایی که هم گریه می کردند و هم شعر می خواندند. تصاویر فوق العاده ای بود. همین طور تصاویری از صابونچی که دیگر در فیلم نیست.

فیلم شما هم طنز دارد و هم درامی غم انگیز. این ترکیب آگاهانه بود؟

در همان ابتدا با ساختاری روبه رو هستیم که گویی فرآیند تدوین روی مانیپولر در حال شکل گیری است. آیا از ابتدا تصمیم داشتید فیلم را با این ساختار پیش ببرید؟

واقعیت این است که من هم مثل خیلی از مردم غافلگیر شدم. در فیلم هم مشخص است که مسافر خارج از کشور بودم و همین شوک را برایم چند برابر کرد. در ۲۴ ساعت اول، عملاً هیچ تصمیمی نگرفتم و فقط ثبت کردم. نه کانسپتی داشتم و نه ساختار از پیش تعریف شده. برخلاف روال همیشگی ام که همه چیز از قبل دکوپاژ می شود، اینجا با مستند بحران روال بودیم؛ پر از اتفاقات غیرمنتظره. بعد از ۲۴ ساعت، چند ساعت مکث کردم، با دوستان نزدیک، بچه های مرکز گسترش و حسین فرشاد اکتسابی نشستیم و صحبت کردیم. همان جا به این شهود رسیدم که باید «خام بودن» را نشان بدهم. مردم عصبانی اند، نگاه ها یکدست نیست. اگر فقط خشم را نشان می دادم، صداقت فیلم زیر سؤال می رفت و اگر کاملاً حماسی می ساختم، به یک اثر صرفاً حاکمیتی تبدیل می شد. من می خواستم منصف باشم و همه صداها را بشنوم.

این نگاه، یادآور نظریه «کارناوال» باختین است؛ شنیده شدن هم زمان همه صداها.

دقیقاً. این نگاه کاملاً با فلسفه باختین هم خوان است. از طرف دیگر، در سنت فکری خودمان «حکمت اشراق» را داریم؛ یعنی کشف و شهود و صداقت. ترکیب این نگاه با مکتبی مثل وریته ساده نیست. وریته امروز کمتر استفاده می شود، اما اگر به کشف تازه ای برسید، اتفاق مهمی رخ می دهد. من آگاهانه پذیرفتم که بخشی از کیفیت های فنی صدای صداقت شود. عمداً بعضی تکنیک های مرسوم نرفتم. در مستند، مخصوصاً مستندهای سوزناک، حضور پررنگ گروه باعث گارد گرفتن آدم ها می شود. من بیشتر دنبال تاکتیک بودم تا تکنیک؛ تاکتیک که در این شرایط جواب بدهد. برای همین تماشاگر را دعوت کردم قبل از تدوین نهایی، در اتاق تدوین بنشیند. حتی اگر کسی را نقد کرده ام، خودم را هم به میز نقد کشانده ام؛ مثل سکانس



برنده سیمرغ بهترین فیلم  
برنده سیمرغ بهترین موسیقی متن  
برنده سیمرغ بهترین بازیگر مکمل زن  
برنده سیمرغ بهترین بازیگر مکمل مرد

کارگردان مهدی شامحمدی تهیه کننده عباس نادران

# جهنون



سجده نوری  
شهریار عباس  
بهادر حاج  
علیرضا رشیدی  
سیده مهدی حسینی  
آرشین حسینی  
حمیدرضا طاهر

نامزد چهارده رشته سیمرغ در چهارمین جشنواره فجر